خوانش نشانه‌شناسی رمزگان اجتماعی- فرهنگی آیین ملّی «نوروز» و باورهای عامّهٔ آن (برپایهٔ دومحور هم نشینی و جانشینی)

پدیدآورنده (ها) : بخشایش، مریم؛ علوی مقدّم، مهیار؛ دلبری، حسن؛ محمّدیان، عباس

میان رشته ای :: نشریه پژوهشنامهٔ فرهنگ و ادبیات آیینی :: بهار و تابستان ۱۴۰۳ - شماره ۵

صفحات : از ۱۰۰ تا ۱۲۱

آدرس ثابت : https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2206475

تاریخ دانلود : ۱۴۰۴/۰۳/۰۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسـلامی (نور) جهت ارائهٔ مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مـادی برآمـده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگـاه، متعلق به "مرکز نور" می باشـد. بنابر این، هرگونه نشـر و عرضه مقالات در قالب نوشـتار و تصویر به صورت کاغـذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتـالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشـد، نیازمنـد کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.

عناوین مشابه

- معناشناسی واژهٔ «رجس»در قرآن کریم با تاکید بر روابط هم نشینی و جانشینی
- تحلیل ساختاری داستان «وجه القمر» زکریا تامر (با تکیه بر دو محور هم نشینی و جانشینی)
- معناشناسی «تکفیر» در قرآن کریم با تاکید بر روابط هم نشینی و جانشینی
- معناشناسی ریشه «سَکَنَ» و مشتقاتش در قرآن کریم با تکیه بر روابط هم نشینی و جانشینی
- یادداشت نخست: و این دور هم نشینی چرا
- نوروز در گذرگاه و باورهای دینی کردها
- نوروز،آیین ملّی و جلوه گاه فرهنگ غنی ایرانی
- هم سنجی باورهای جنسیتی و نگرش به طلاق دانشجویان کرد و فارس با توجه به جنسیت
- تحلیل نشانه شناسی تلاقی افق رهایی و مقاومت در اشعار جواد جمیل؛ مطالعهٔ موردی: خوانش رمزگان های روایی
- خوانش نشانه‌شناسی لایه‌ای در فرایند معنایی منظومه خسرو و شیرین نظامی

www.noormags.ir

پژوهشنامهٔ فرهنگ و ادبیات آیینی
دوفصلنامهٔ علمی (مقالهٔ علمی- پژوهشی)، دورهٔ ۳، شمارهٔ ۱، پیاپی ۵، بهار و تابستان ۱۴۰۳، ۹۹ - ۱۲۲

خوانشِ نشانه‌شناسیِ رمزگان اجتماعی- فرهنگیِ آیین ملّی «نوروز» و باورهای عامهٔ آن (بر پایهٔ دو محور هم‌نشینی و جانشینی)

مریم بخشایش*، مهیار علوی‌مقدّم، حسن دلبری***، عباس محمّدیان*****

چکیده

نشانه‌شناسی، رویکردی است که به تحلیل نظام نشانه‌ای و مطالعهٔ سازوکارهای تولید، انتقال و دریافت معنا می‌پردازد. رسوم و آیین‌های کهن به‌عنوان نشانه/ بازنمودی فرهنگی از اندیشه و تفکر انسانی با منشی نمادین، تفسیری از جهان و جهان‌بینی انسان ارائه می‌دهد و نقش مهمی در انسجام اجتماعی دارد. چارلز سندرس پیرس، فیلسوف آمریکایی و فردیناند دو سوسور، زبان‌شناس سوئیسی در اواخر قرن نوزدهم نشانه‌شناسی را پایه‌گذاری کردند. به نظر سوسور، نشانه‌شناسی، رویکردی است درزمینهٔ دوگانه دال و مدلول و دلالت‌های معنایی، ولی ازنظر پیرس، هر نشانه دارای سه جزء است: بازنمون، تفسیر و موضوع. این پژوهش به روش تحلیلی - توصیفی به خوانش عناصر درون‌متنی در رمزگان‌های برجستهٔ اجتماعی- فرهنگی آیین نوروز در محور درزمانی پرداخته است. رسم کهن نوروز به‌عنوان نشانه/ بازنمودی فرهنگی با نشانه‌های شمایلی، نمایه‌ای و بیشتر نشانهٔ نمادین، تفسیری از جهان و جهان‌بینی انسان، ارائه می‌دهد که در جهان معاصر به‌واسطهٔ سیطرهٔ ارتباطات مجازی در حال کمرنگ‌شدن هستند و امکان بهره‌برداری از معانی عمیق نهفته در این رسوم آیینی در ابعاد گوناگون توسعه هدف این پژوهش بوده است؛ بنابراین، نتایج این خوانش در محور هم‌نشینی و جانشینی و در معنای ضمنی (سطح سه) طبق نظریهٔ پیرس با نشانه/ بازنمون‌های نمادین، نمایه‌ای و شمایلی در متن نوروز: آرامش و تعادل، برکت، شادی و نظم در محور فردی، عدالت و دادگری و صلح و دوستی در محور اجتماعی و معنای کاربردی توسعهٔ پایدار از طریق توسعهٔ گردشگری فرهنگی بوده است.

کلیدواژه‌ها: نشانه‌شناسی، رمزگان اجتماعی- فرهنگی، آیین نوروز، محور هم‌نشینی و جانشینی، سوسور، پیرس.

*دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران borzoiy.maryammb@gmail.com
**دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران(نویسنده مسئول) m.alavi.m@hsu.ac.ir
*** دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران h.delbari@hsu.ac.ir
****دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران a.mohammadian37@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۰

www.noormags.ir

۱. مقدمه و بیان مسئله

نشانه‌شناسی، رویکرد پژوهشی کیفی است که به بررسی انواع نشانه‌ها، تعبیر آن‌ها، قواعد حاکم بر نشانه‌ها و نظام نشانه‌ای می‌پردازد و ابزاری پژوهشی برای فهم حقیقت پنهان در پس علائم، رمزها و نشانه‌ها و نمادها به دست می‌دهد. «آدمیان از طریق خلق، ابداع و تفسیر نشانه‌ها و آیات و نمادها معنا می‌آفرینند» (ضمیران، ۱۳۸۳: ۴۰). اهمیت این تحلیل به‌گونه‌ای است که برخی نشانه‌شناسان ادعا می‌کنند می‌توان همه‌چیز را تحلیل کرد. «دانش نشانه‌شناسی، بررسی معنا، فرایند شکل‌گیری نشانه‌ها و فهم ارتباطات معنادار است. نشانه‌شناسی شامل مطالعه ساخت و شکل‌گیری نشانه‌ها، اشارات، دلالت‌ها، نام‌گذاری‌ها، قیاس‌ها، تمثیل‌ها، استعاره‌ها و رمزگان‌های ارتباطی است» (طاهری، ۱۳۹۶: ۱۷).

فرهنگ را می‌توان با مفاهیم نشانه‌شناسی تحلیل کرد؛ «زیرا شالودهٔ رفتار فرهنگی انسان‌ها، معانی‌ای هستند که نشانه‌ها (معنایی فراتر از نشانه‌های زبانی و شامل ایماژها و نمادها) برای اینان به‌وجود می‌آورند. به قول سوسور، نشانه‌شناسی دانشی برای مطالعه دربارهٔ حیات نشانه‌ها و در چارچوب جامعه است» (ر.ک: Combe & Crowther. (2005). 2). نشانه‌شناسی به تحلیل متن می‌پردازد. نشانه‌شناس نمی‌تواند نشانه‌ای را منفک از رمزگانی که آن را ساخته است، بررسی کند. متن، حاصل هم‌نشینی سازه‌های درونی است که در کنار هم و در محور هم‌نشینی و جانشینی، به‌واسطهٔ رمزگان‌های متعدد قابل خوانش است. در این پژوهش، سازه‌های درون‌متنی در ارتباط با هم و در محور هم‌نشینی طبق نظریهٔ سوسور و در الگوی سه وجهی پیرس در نشانه‌شناسی که شامل بازنمون، تفسیر و موضوع است، قابل خوانش و نشانه‌شناسی هستند. ازمنظر مطالعات فرهنگی، آیین‌های ملّی ازجمله آیین نوروزی، به مثابهٔ یک متن، دارای سازه‌های درونی‌اند و این سازه‌ها، دال‌هایی به شمار می‌روند که نیازمند تفسیر و تحلیل هستند و لازم است رمزگان اجتماعی و قراردادی و فرهنگی آن‌ها، کشف شود تا به مدلول آن‌ها دست یافت. نشانه‌شناسی، همهٔ کنش‌ها و عناصر درونی و برونی متنِ این آیین‌ها را نشانه تلقی می‌کند و بر آن است قوانین و چارچوب‌هایی را که اعضای جامعه خودآگاه و ناخودآگاه پذیرفته‌اند و توسط آن‌ها به پدیده‌ها معنا بخشیده‌اند، روشن سازد. به قول پیرس، فقط در پرتو نشانه است که می‌توان اندیشید. یکی از جذابیت‌های نشانه‌شناسی، ارتباط میان پدیده‌های نامربوط به هم است؛ یعنی جستجوی آنچه در زیر مشهودات پنهان است و می‌تواند به یک بینش و باور بینجامد.

مراسم و آیین‌های ملّی و باستانی، به‌عنوان یک متن فرهنگی، آن دسته از باورها، سنّت‌ها و آیین‌هایی است که به همراه آثار و سرمایه‌های برجای‌مانده از تمدّن کهن، بیانگر هویت ملّی یک ملّت به شمار می‌روند. فرهنگ نوعی متن است که منتقدان ادبی می‌توانند آن را قرائت کنند. ... از منظر مطالعات فرهنگی هر جا با مجموعه‌ای از دال‌ها و مدلول‌ها مواجه باشیم؛ درواقع با نوعی متن سروکار داریم (پاینده، ۱۳۹۸: ۲۶۵)؛ بنابراین،

www.noormags.ir

در ایـن پژوهـش بـه آییـن فرهنگـی نـوروز به‌صـورت متـن توجـه شـده کـه عناصـر درون ایـن متـن بـه شـکل واژه در جملـه در کنـار هـم (محـور هم‌نشـینی) به‌عنـوان نشـانه دانسـته شـده و تحلیـل گردیـده اسـت. البتـه ایـن تحلیـل در محـور درزمانـی یعنـی در طـول تاریـخ و نیـز بـا تمسـک بـه نظریـه پیـرس در نشانه‌شناسـی بـا سـه نـوع نشـانه تحلیل‌شـده کـه نشـانه نمادیـن کـه ارتبـاط دال بـا مدلـول قـراردادی و اجتماعـی اسـت، بـرای ایـن تحلیـل کاربردی‌تـر بـوده اسـت. مراسـم ملّـی رایـج در ایـران، ریشـه در تاریـخ کهـن ایـن سـرزمین باسـتانی دارد و القـا کننـدهٔ هویـت ملّـی، قومـی و بومـی مـردم اسـت کـه قابـل خوانـش و نشانه‌شناسـی هسـتند.

> روش تحلیـل متـون ادبـی را می‌تـوان در خوانـش متـون زندگـی روزمـره بـه کار بـرد. در مطالعات فرهنگـی نـه فقـط مصطلحـات نقـد ادبـی ماننـد متـن و قرائـت را بـرای اهـداف خـود بـه عاریـت گرفـت، بلکـه روش‌شناسـی متنوعـی از قبیـل روانـکاوی، سـاختارگرایی، نشانه‌شناسـی و ... کـه منتقـدان نقـد ادبـی بـرای نقـد رمـان، شـعر و ... بـه کار می‌برنـد به‌منظـور تحلیـل موشـکافانهٔ معانـی و دلالت‌هـای رفتارهـای آحـاد جامعـه در زندگـی روزمـره می‌تـوان اختیـار کـرد (پاینـده، ۱۳۹۸: ۲۶۶).

البتـه اگـر رمزگان‌هـا به‌تنهایـی بررسـی و نمادشناسـی شـوند، مـا وارد علـم نشانه‌شناسـی نشـده‌ایم، درحالی‌کـه ایـن پژوهـش نشـانه‌های نمادیـن را در کنـار هـم و در محـور هم‌نشـینی مـورد خوانـش و معنـاکاوی قـرار داده اسـت. پـس نمادشناسـی نشـانه‌ای در کنـار نمادهـای شـمایلی و نمایـه‌ای طبـق نظـر پیـرس در تنظیـم جـدول پایانـی بـه کار آمـده اسـت.

> هـر نشـانه، اگـر قـرار باشـد نشـانه به‌حسـاب آیـد، بایـد بـه یـک نظـام نشـانه‌ای تعلـق داشـته باشـد و در ایـن نظـام در تقابـل بـا سـایر واحدهـای تشـکیل‌دهنده آن نظـام قـرار گیـرد. فـرض کنیـد مـن بخواهـم بـه مطالعـهٔ رنـگ سـفید لبـاس عـروس بپـردازم، اگـر گـزارش مـن بـه ایـن نکتـه محـدود شـود کـه سـفید نمـاد پاکـی اسـت و اولیـن بـار ملکـهٔ ویکتوریـا در مراسـم عروسـی‌اش لبـاس سـفید پوشـیده، تنهـا بـه لغـت معنـی پرداختـه‌ام. کار نشانه‌شـناس از آنجـا آغـاز می‌شـود کـه معلـوم کنـد در جوامـع مختلـف، ایـن رنـگ لبـاس در تقابـل بـا چـه رنـگ یـا رنگ‌هـای دیگـر اسـت یـا در چـه موقعیتـی از چنیـن ارزشـی برخـوردار اسـت. ...دومیـن نکتـه در مطالعـهٔ نشـانه‌ها، برحسـب تقابلـش بـا سـایر واحدهـای تشـکیل‌دهندهٔ یـک نظـام، در مفهومـی غیـر از خـود بـه کار رفتـه باشـد. ...سـومین نکتـه بـه حضـور یـک نشـانه مربـوط می‌شـود؛ یعنـی چـرا از میـان مجموعـهٔ نشـانه‌های ممکن‌الوقـوع، یکـی را انتخـاب کرده‌ایـم و در ترکیـب بـا سـایر نشـانه‌ها قـرار گرفته‌انـد (صفـوی، ۱۳۹۳: ۵۰-۴۹).

بنابرایـن، در خوانـش عناصـر درون‌متـن نـوروز بـه دال و مدلول‌هـای اسـطوره‌ای برخـورد می‌کنیـم کـه برحسـب نـوع انتخـاب و ترکیـب نشـانه‌ها از معنـای نمادیـن خـود فراتـر می‌رونـد و در لایه‌هـای معنایـی بعـد از خـود بـه مفاهیـم اجتماعـی و فرهنگـی اشـاره دارنـد کـه ذهـن منتقـد ادبـی را از معنـای صریـح بـه معنـای ضمنـی و بعـد معنـای کاربـردی رهنمـون سـاخته‌اند. اگـر قـرار باشـد نشـانه‌ای واقعـاً نشـانه محسـوب شـود، بایـد قـراردادی شـده باشـد و ایـن یعنـی نشـانهٔ

www.noormags.ir

نمادین پیرس. به قول و نظر کورش صفوی «من نشانه را تنها زمانی نشانه می‌دانم که قراردادی شده باشد؛ یعنی آن نشانه اجتماعی شده باشد» (همان: ۳۲۰).

نوروز آیینی اسطوره‌ای است، مهم‌ترین کارکرد اسطوره از دیدگاه الیاده «کشف و معنادار کردن سرمشق‌های نمونه‌وار همهٔ آیین‌ها و فعالیت‌های معنادار آدمی‌ست از تغذیه گرفته تا کار و تربیت، هنر و فرزانگی» (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۷: ۱۳-۹). می‌توان افزود «هر اثر اسطوره‌ای روایتی‌ست که خود، یک اثر ناب ادبی و از هنرهای کلامی محسوب می‌شود» (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۹: ۶۵). صفوی در کتاب *نشانه‌شناسی ادبیات*، مطالعهٔ اسطوره را به‌عنوان مجموعه‌ای از نشانه‌ها درنظر گرفته است. او اشاره کرده است که مالینفسکی بر حقیقت اسطوره‌ها تأکید داشته است و بر این باور بوده که هر اسطوره‌ای برای توجیه ناشناخته‌ای در جهان واقعیت پدید می‌آید. بارت نیز به حقیقت اسطوره‌ها در طول زمان باور دارد و به نشانه‌شناسی اسطوره پرداخته است (ر.ک: صفوی، ۱۳۹۳: ۲۲۴).

در ضرورت بررسی و نشانه‌شناسی نوروز برای دستیابی به معنای کاربردی باید گفت: خوانش، نشانه‌شناسی و معناکاوی آیین‌های ملّی و فراملّی فرهنگی، بهره‌بردن از زیبایی‌های ظاهری و ارتقای سطح نقد در ادبیات و علوم انسانی، درک هویت ملّی و مفاهیم زیباشناسی این آیین‌ها و دریافتِ احساسات عمیق انسانی و ارتباط اجتماعی مؤثر، در جهت حرکت به سمت توسعهٔ پایدار، گسترش تبادلات فرهنگی و تعالی دنیای آینده، از بزرگ‌ترین دستاوردهای نشانه- معناشناسی این آیین‌ها به شمارمی‌رود. بر این اساس و نیز به دلیل پژوهش‌های اندک و پراکنده و گاه نامنسجمی که در حوزهٔ نشانه‌شناسی در آیین‌های ملّی و فرهنگ و باورهای عامّهٔ نوروز انجام شده است. این پژوهش می‌کوشد پس از بررسی دقیق و کاملاً علمی در نظریه‌های نشانه‌شناسی و معناکاوی به تدوین یک روش علمی و دقیق برای خوانش معنایی بپردازد و با کشف و تدوین دلالت‌های معنایی در سازه‌های درونی و برونی متن این مراسم فرهنگی و تاریخی، به یاری محورهای هم‌نشینی و جانشینی برآمده از نشانه‌شناسی، در سطح منطقه‌ای و ملّی به واسطهٔ شناخت و معرفی این آیین‌ها از جنبهٔ معنایی بپردازد.

۱-۱. پیشینه و روش تحقیق

سجودی (۱۳۹۳) در کتاب *نشانه‌شناسی کاربردی* به بحث نشانه‌شناسی و تعریف نشانه، متن، رمزگان، نشانه‌شناسی لایه‌ای و مواردی ازاین دست پرداخته است. پاینده (۱۳۹۸) در جلد دوم کتاب *نظریه و نقد ادبی*، به بیان مفهوم مطالعهٔ فرهنگی و نشانه‌شناسی پرداخته و نمونه‌هایی از متون را بر اساس نقد ادبی مبتنی بر مطالعات فرهنگی و نشانه‌شناسی مورد خوانش و قرائت قرار داده است. نجومیان (۱۳۸۹) در کتاب *نشانه‌شناسی فرهنگی*، مجموعه مقالات نقدهای ادبی، هنری را مورد واکاوی قرار داده است. استوری (۱۳۹۸) در کتاب *مطالعات فرهنگی دربارهٔ فرهنگ عامه*، ترجمهٔ حسین پاینده، به خوانش و رمزگشایی از

www.noormags.ir

گفتمان تلویزیون و نیز داستان‌های عامه‌پسند، فیلم، موسیقی و نیز خرید به منزلهٔ فرهنگ عامه پرداخته شده است. تودور (۱۳۹۲) در کتاب *نظریه و روش در مطالعات فرهنگی*، در مورد ساختارگرایی و مطالعات فرهنگی سخن گفته است. *اکو* (۱۳۹۹) در *نشانه‌شناسی امبرتو* به مباحث نشانه‌شناسی از دیدگاه اکو اشاره دارد. ساسانی (۱۳۸۹) در کتاب *معناکاوی: به‌سوی نشانه‌شناسی اجتماعی* به شناخت معنا و نشانه‌معناها و نیز نظریات برجسته در این زمینه یاری می‌رساند. علوی مقدم (۱۴۰۰) در مقالهٔ «کارکرد معیارهای نشانه‌ای، ساختاری، ارزشی و نقشی در تحلیل فرایند زایشی معنا و دلالت‌پردازی در نظام نشانه‌ای زبانی و ادبی» به تحلیل فرایند زایشی معنا و نظام نشانگانی زبان به یاری معیارهای چندگانه برپایهٔ معیارهای نشانه، ساختار، ارزش و نقش می‌پردازد. چند مقاله، دربارهٔ جشن‌های مهم ایرانی ازجمله: نوروز، یلدا، چهارشنبه‌سوری، مهرگان و سده در مجلات معتبر علمی و پژوهشی به چاپ رسیده است. در این مقالات به جنبهٔ اسطوره‌ای و نمادین بودن برخی از آیین‌ها اشاره شده است. ازجمله: مقالهٔ «بررسی جشن‌های تاریخی ایران با تکیه بر نوروز، مهرگان و سده» (۱۳۹۵) نوشتهٔ الهام ولایتی و مقالهٔ «فولکلور ابزاری برای مطالعات فرهنگی» (۱۳۹۲) نوشتهٔ علیرضا قبادی و «جشن‌های اسطوره‌ای ایران نماد فرهنگ و تمدن قوم آریایی» نوشتهٔ منیره خلیلی محله و دیگران و مقالات دیگر. به نظر می‌رسد تاکنون پژوهشی با رویکرد نشانه‌شناسی با رویکرد مطالعات فرهنگی در خوانش متن آیینی و ملّی ایران، نوروز، انجام نشده است و این خلأ پژوهشی نویسندگان را به انجام این پژوهش واداشت.

در این پژوهش، روش گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای، روش تحلیل داده‌ها از نوع کیفی و روش استدلالی از نوع «استدلال استقرایی» (از جزء به کل) است. این پژوهش بر آن است با تحلیل و خوانش نشانه‌های درون‌متن آیینی نوروز به معناکاوی این رسم کهن بپردازد.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲-۱. آشنایی با نشانه‌شناسی ساختارگرای سوسور و پیرس

فردیناند دوسوسور (۱۹۱۳-۱۸۵۷م) زبان‌شناس سوئیسی، برای نخستین بار اصطلاح نشانه را به کار برد و به مطالعهٔ زندگی و حیات نشانه‌ها در بطن زندگی اجتماعی و مطالعهٔ زبان پرداخت. او بر این باور بود که «می‌توان علمی را در نظر گرفت که به بررسی نقش نشانه‌ها در زندگی اجتماعی می‌پردازد. این علم، بخشی از روان‌شناسی اجتماعی و درنتیجه، بخشی از روان‌شناسی عمومی خواهد بود که ما آن را نشانه‌شناسی می‌نامیم» (۱۳۸۲: ۲۴).

سوسور، الگویی دووجهی یا دوقسمتی از نشانه ارائه می‌کند. از دید او نشانه از دال یا تصوّر صوتی و مدلول، یعنی مفهومی که دال به آن دلالت می‌کند و یا تصوّر مفهومی، تشکیل شده است. در مورد دلالت معتقد است «دلالت، رابطهٔ ایجابی است که بین دال و

www.noormags.ir

مدلول برقرار است. نشانهٔ زبانی متشکل از یک دال و یک مدلول است که رابطهٔ بین این دو را که به نشانه، هستی و انسجام می‌بخشد؛ دلالت می‌نامند» (همان: ۱۷۳).

در نظام نشانگانی زبان، نشانه‌ها ذاتاً مستقل نیستند. نشانه کلیتی است که به سببِ وجود رابطه و یا نقشِ بین معنا و لفظ پدید می‌آید. در نشانه‌شناسی ساختارگرای سوسوری، رابطهٔ نشانهٔ دال و مدلول، رابطه‌ای منطقی و بدون حضور عامل انسانی است، امّا در نشانه‌شناسی پیرسی، رابطهٔ دال و مدلول، رابطه‌ای متقارن بود و نشانه‌ها از دیدگاه چارلز سندرس پیرس، سلسله قواعدی برای مطالعه همه‌چیز بودند برخلاف سوسور که آن را فقط در زمینهٔ قراردادی ارتباط مطرح می‌کرد (ر.ک: علوی مقدّم،۱۴۰۰: ۴۲).

امّا ازنظر چارلز سندرس پیرس (۱۹۱۴-۱۸۳۹م) فیلسوف آمریکایی «نشانه چیزی است که با شناسایی آن می‌توانیم چیزهای بیشتری بدانیم» (یوهانس و لارسن، ۱۳۸۸: ۵۵). به نظر او تمام اندیشه‌های انسان توسط نشانه‌ها یا دقیق‌تر توسط ارتباط نشانه‌ها، مدلول و تفسیرکننده معلوم می‌شود. فرایند معناسازی، همان ارتباط میان این سه عامل است که در پرتو بحث دلالت، محقق می‌شود» (رضوی‌فر و غفاری، ۱۳۹۰: ۸). از دید پیرس نشانه دارای الگوی سه وجهی است:

- نمون یا بازنمودن: ابزاری که چیزی را به ذهن متبادر می‌کند و درواقع شکلی است که نشانه به خود می‌گیرد و می‌توان آن را نشانه نامید که معادل دال است.

- تفسیر: آنچه به ذهن شنونده متبادر می‌شود و همان ادراکی است که نشانه به وجود می‌آورد که می‌توان آن را معادل مدلول نامید.

- موضوع: چیزی که نشانه بر آن دلالت می‌کند و به آن ارجاع می‌دهد که همان موضوع یا مصداق است. ناگفته پیداست که موضوع یا ابژه، الزاماً یک هستی فیزیکی در جهان خارج نیست (چندلر، ۱۳۹۴: ۶۰)؛ به‌طورکلی می‌توان گفت: «یک بازنمون چیزی است که برای کسی بنا به دلایلی به چیز دیگری دلالت می‌کند. بازنمون در ذهن آن شخص، نشانهٔ معادلی را پدید می‌آورد... این نشانهٔ دوم را تفسیر می‌نامم. این نشانه دلالت بر یک موضوع دارد» (Peirce,1931-1985:2/228).

۲-۲. رمزگان

رمزگان مفهوم مهم دیگری است که در بحث نشانه‌شناسی مورد اشاره قرار می‌گیرد، چراکه در خوانش هر متن ناچار هستیم نشانه‌ها را با توجه به رمزگان مناسب تفسیر کنیم. «رمزگان عبارت از مجموعه نشانه‌هایی که میان ارسال کنندهٔ پیام و دریافت‌کنندهٔ آن پیوند برقرار می‌کند» (ضمیران، ۱۳۸۳: ۱۳۲). رمز باعث معنادار شدن نشانه‌ها می‌گردد، «رمز، چارچوبی را به‌وجود می‌آورد که در آن نشانه‌ها معنادار می‌شوند» (همان: ۱۳۳). ازاین‌رو، همان‌گونه که گفته شد مفهوم رمز در نشانه‌شناسی، بسیار بنیادی است. رمزگان، مجموعه قواعدی هستند که بر اساس آن عناصری انتخاب می‌شوند که با یکدیگر، ترکیب‌شده و

www.noormags.ir

عناصر جدیدی را می‌سازند.

انواع رمزگان در قالب علمی (منطقی)، زیبایی‌شناسی و اجتماعی – فرهنگی قابل تفکیک‌اند و دارای تمایزات و وجوه اشتراک می‌باشند:

– شاخص عملیاتی رمزگان منطقی: ازنظر ماهیت بر اساس نظامی از اصول بدیهی و عینی طرح‌ریزی شده‌اند. تفوّق در دلالت‌های ارتباطی انسان با محیط و انسان با طبیعت است. دامنهٔ کاربرد این رمزگان در هماهنگ کردن کنش‌ها، تنظیم حرکات جمعی در افراد جامعه، انتقال اطلاعات و فرمان‌ها و بازنمایی ساختار عینی یک واقعیت پیچیده است. انواع رمزگان منطقی در نظام‌های علامتی، قوانین، برنامه‌های آموزشی و... مشاهده می‌شود.

– شاخص عملیاتی رمزگان زیبایی‌شناسی: ازنظر ماهیت، غالباً منش شمایلی دارند؛ با آفرینش همراه‌اند و از تجربهٔ احساسی نشئت‌گرفته‌اند. تفوّق در دلالت‌های ارتباطی انسان با محیط و طبیعت است. دامنهٔ کاربرد این رمزگان در انتقال چندوجهی معنا است در این رمزگان، خود پیام موضوع است. انواع رمزگان زیبایی‌شناسی در هنر، ادبیات، معماری و... دیده می‌شود.

– شاخص عملیاتی رمزگان اجتماعی – فرهنگی: ازنظر ماهیت، فرد توسط نشانه، هویت و تعلق خود را به گروه یا سازمانی مشخص می‌نماید، امّا درعین‌حال، او هم حامل نشانه است و هم جوهر آن را نهادینه می‌کند. تفوّق در دلالت‌های انسان با انسان است و نشئت‌گرفته از تجربه منطقی و احساسی است. دامنهٔ کاربرد، برای سازمان‌بندی جامعه و سازمان دلالتی به کار می‌رود. انواع رمزگان اجتماعی مانند آیین‌ها، جشن‌ها، مراسم، میثاق‌ها، رمزگان ادب و بازی‌ها و... (ر.ک: Danesi,2007؛ به نقل از ماجدی و زرآبادی، ۱۳۸۹: ۵۲).

۲-۳. بازشناخت عناصر برجستهٔ آیین و باور عامّهٔ «نوروز»

نوروز به معنای روز نوین، بر نخستین ماه سال خورشیدی اطلاق می‌شود. نوروز، جشن آغاز سال و اعتدال بهاری است. تقی‌زاده دربارهٔ وجه‌تسمیهٔ این جشن اشاره می‌کند: «از آن‌جا که کلمهٔ سال از سرد آمده، اسم اصلی نوروز در آغاز نوسرد به معنی سال نو بود و بعدها روز ششم فروردین یا نوروز بزرگ نوسرد خوانده شد» (۱۳۴۹: ۲۱۲).

> نخستین روز است از فروردین‌ماه، و زین جهت روز نو نام کردند، زیرا که پیشانی سال نو است و آنچه از پس اوست از این پنج روز همه جشن‌هاست و ششم فروردین ماه، نوروز بزرگ دارند زیرا که خسروان بدان پنج روز حق‌های حشم و بزرگان و گروهان بگزاردندی و حاجت‌ها روا کردندی، آن‌گاه بدین روز ششم خلوت کردندی، خاصّگان را و اعتقاد پارسیان اندر نوروز نخستین آن است که اوّل روزی است از زمانه، و بدو فلک آغازید گشتن (بیرونی، بی‌تا: ۲۵۳).

ابوریحان بیرونی در کتاب خود، *قانون مسعودی*، دربارهٔ انتخاب نوروز، به‌عنوان روز نو و

www.noormags.ir

نخستین روز از سال نو، می‌گوید: نوروز و روز نو، اوّل روز پارسیان است و آن طولانی‌ترین روزهای سال است و از جمشید به یادگار مانده است. علت انتخاب نوروز، به دو دلیل است: نخست علّت طبیعی، چون شناخت آن به‌واسطهٔ درازی سایه در ظهر، مشخص است و بر اعتدالی ترجیح دارد. دوم می‌گویند در این روز جمشید به جنگ رفت و روز پنجم، با پیروزی برگشت و این روز، نوروز بزرگ نامیده شد. در این روز آب‌پاشیدن به هم سنّت شد چون به اعتقاد آنان اسم روز پنجم، اسفندارمذ، همان اسم موکّل آب است (ر.ک: بیرونی، ۲۶۱/۱؛ به نقل از مدرسی، ۱۳۶۶: ۱۰۴). نویسندهٔ تاریخ *مروج‌الذّهب* می‌نویسد: «فارسیان به جهت کبیسه، در هر ۱۲۰ سال، یک ماه اضافه می‌کردند و کراهت داشتند هر چهار سال، یک روز اضافه کنند تا روزهای سعد و نحس آن‌ها به‌هم نخورد» (همان). نوروز اسطورهٔ جاودانگی است، ایجاد آرامش و شادی انسان‌ها برای خود یک مفهوم دایره‌وار تصوّر می‌کرده‌اند که از یک نقطه آغاز می‌گردید و با گردش مدوّر همان نقطه، پایان می‌یافت. با نوروز، کهولت زمان از یادها می‌رفت و همهٔ آفریده‌ها جان تازه می‌یافتند. این اسطورهٔ آفرینش یا بازگشت ادواری، به‌زعم الیاده، مسئلهٔ برانداختن تاریخ و واژگونی زمان را مطرح می‌کند (ر.ک: الیاده، ۱۳۶۵: ۸۳). جستجوی زندگی جاوید، رایج‌ترین مفهوم اسطوره‌ای در اسطوره‌های جهان است. این مفهوم به شکل «فرار از دنیا و بازگشت به بهشت، سیر عرفانی در زمان و نامیرایی و داشتن عمرجاوید» است (گورین و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۶۶). فروهرها، جوهر حقیقی و محرّک همهٔ عالم هستند؛ به‌عبارت‌دیگر، فروهرها برای نخستین بار به مادّه اعم از جمادی، نباتی و حیوان تعیّن می‌بخشند. «هیچ موجود مادی و غیرمادی در جهان وجود ندارد که حقیقتی، فروهری نداشته باشد. حتی اهورامزدا، دارای فروهر است» (رجبی، ۱۳۶۲: ۹۹۶). در ایران باستان در شب نخست سال به یاد فروهرها چراغ روشن می‌کردند و حتی در پشت‌بام‌ها غذا می‌گذاشتند. به مناسبت نزول فروهرها باید خانه پاکیزه می‌بود گل و شیرینی گذاشت و سفره‌ای که محتوی هفت‌سین دارد، گسترد (ر.ک: بهار، ۱۳۷۴: ۵۷۴).

در ایران باستان، ماه فروردین‌ماه فروهرهاست. همان‌طور که گفته شد، فروهرها گونه‌ای از روان آدمی یا نوعی همزاد آدمیان هستند. همان‌گونه که هر یک از آفریدگان مادی یک اصل مینوی دارند، انسان هم یک خود آسمانی دارد که فروشی یا فروهر اوست. فروهرها به مدت ده شبانه‌روز از جایگاه اصلی‌شان در آسمان فروهرهای نیاکان به هنگام «گاهنبار همس‌پت‌مدیم» به زمین فرود می‌آیند. از همین‌روست که گیاهان و سبزه‌زارها پدید می‌آیند. فروهرها ده روز مهمان خانه و خانوادهٔ خود هستند پس باید پاکیزگی و صلح باشد تا فروهرها برای خانواده برکت و شادی طلب کنند (همان: ۲۳). در فروردین‌یشت، فقرهٔ ۴۲ آمده است: «فروهای نیک توانای پاک مقدسین را می‌ستائیم که در هنگام همس‌پت‌مدیم، از آرامگاه‌های خود بیرون شتابند در مدّت ده شب پی‌درپی در اینجا برای آگاهی‌یافتن به‌سر برند» (پورداوود، ۲/۱۳۷۷: ۷۱).

www.noormags.ir

در زمان ساسانیان در شب آغاز همس‌پت‌مدیم گاه یعنی روز بیست و ششم اسفند، آتش افروخته می‌شده است. گویا ازاین‌رو بوده است که فروهرها با دیدن دود و آتش، خانوادهٔ خود را بازشناسند و بدان سوی پرواز کنند. «آتش‌افروزی پیش از نوروز بر بام‌ها که در ایران کهن مرسوم بوده است و امروزه نیز در روستاها معمول است؛ گویا برای راهنمایی فروهرها به‌سوی دودمان خود است» (فره‌وشی، ۱۳۸۸: ۲۸). نوروز شاهدی بر فرهنگ عدالت و دادگری است. در عصر هخامنشی و ساسانی تمام ملل امپراتوری در جشن طبیعت شرکت می‌کردند و با آوردن مالیات مخصوص این آیین به دولت ایران، به‌نوعی به گفتگوی تمدّنی و بده‌بستان‌های میان‌فرهنگی، دست می‌زدند؛ علاوه بر این، پادشاهان ایرانی، در این جشن، بی‌حاجب و دربان بارعام می‌دادند و به تظلّم و دادخواهی مردم می‌پرداختند (امین، ۱۳۸۳: ۵).

۳. تحلیل داده‌ها: نشانه‌شناسی سازه‌های برجسته درونی متن آیین نوروز

۳-۱. خوانش رمزگان برجستهٔ اجتماعی- فرهنگی متن آیین نوروز بر پایهٔ محورهای هم‌نشینی و جانشینی

یکی از اصول و مبانی بنیادین در صورت‌گرایی و نشانه‌شناسی، تمایز بین دو محور هم‌نشینی و جانشینی است که در تحلیل متن‌های «زبانی» و «ادبی» و هر متنی ازجمله آیین‌ها و نیز در تحلیل فرایند یادگیری زبان در کودک، نقش بسزایی دارد. در حوزه زبان و متن زبانی، شبکهٔ روابط متقابلِ واحدهای زبان بر اساس محور هم‌نشینی و جانشینی زبان و «ساخت» زبان، خود را می‌نمایانند. در این حالت، واحدی از روی محور جانشینی انتخاب می‌شود و بر روی محور هم‌نشینی قرار می‌گیرد که مجاورتش با دیگر واحدهای موجود بر روی محور هم‌نشینی، تابعِ قواعد ترکیب‌پذیری معنایی نیست، به همین دلیل بر شبکهٔ نشانه‌ها تأثیر می‌گذارد؛ بنابرایَن انواعِ انتخاب‌ها از روی محور جانشینی و قرار دادن این انتخاب‌ها بر روی محور هم‌نشینی استَ، به شکلی که ترکیب حاصل، بر شبکهٔ نشانه‌های نظام زبان تأثیر بگذارد. فرایند نقد و تحلیل زبان‌شناختی متن‌های ادبی نیز در همین چارچوب است. ما، در محور جانشینی، چند صورت آوایی (همان دال) داریم که می‌توانیم هر یک از آن‌ها را انتخاب کنیم. در این فرایند، ما با نشانه‌های زبانی سروکار داریم که یک دال را به یک مدلول پیوند می‌دهد. بنا به گفتهٔ سوسور، نشانه‌های زبانی پدیده‌ای روان‌شناختی و دوسویه است و دو عنصر تصوّر معنایی (مدلول) و تصوّر صوتی (دال) وابسته به یکدیگرند و هر یک متضمنِ حضور دیگری است و پیوند این دو، «نشانه» را پدید می‌آورد. بر اساس روابط جانشینی و هم‌نشینی، می‌توانیم فرایند گریز از قواعد زبان خودکار و ابزارهای آفرینش ادبی را تحلیل کنیم. همان‌طور که در مقدمه گفته شد، نوروز چون متنی مورد خوانش و تحلیل قرار گرفته است.

بر این اساس متن نوروز، آغازگر رستاخیز طبیعت، گاه رویش و زایش، تجلی‌گاه

www.noormags.ir

یگانگی، هم‌اندیشی، هم‌دلی و هم‌کنشی انسان است با روزگار و زمان. با اتکا به اصول و مبانی پیش‌گفته، آیین نوروزی در وهلهٔ نخست از دو وجه، قابلِ نشانه‌شناسی و معناکاوی است. نخست از جنبهٔ ساختاری و به لحاظ چگونگی هم‌نشینیِ عناصر آیین نوروزی و دیگری محور جانشینی در بخش نشانه‌شناسی از مفاهیم و کنش‌ها با توجه به الگوی نظریهٔ سوسور و پیرس. برخی از عناصرِ مراسم آیینی نوروز در قالب بیانی ویژه به‌عنوان نشانه یا بازنمونی نمادین، نمایه‌ای و شمایلی در یک محور هم‌نشینی در ساختار کلی متن و در مناسبت با یکدیگر و در یک توالی درزمانی مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفته است. با توجه به الگوی سه‌گانهٔ پیرس از نشانه، تفسیر هر یک از این نشانه/ بازنمون‌ها به‌عنوان معنای صریح در سطح یک و در مرحلهٔ بعد، معانی ضمنی در دو سطح به‌عنوان موضوع نشانه مورد خوانش قرار گرفته است. از سه نوع نشانه که پیرس مطرح می‌کند، نشانه‌های نمادین در متون اساطیری برجستگی قابل توجهی دارند؛ چراکه دارای ماهیتی عرفی و قراردادی‌اند، فرایند تعبیر از طریق یادگیری است و بازنمایی کنندهٔ مفاهیم قراردادی‌اند که در این جداول تحلیل و تفسیر شده‌اند. در خوانش و تحلیل از نشانه‌های نمادین و قراردادی در متن نوروز به نشانه‌های نمایه‌ای و شمایلی برخورد شده است که در رمزگشایی سطوح و لایه‌های عمیق‌تر معنایی کارگشا بوده است.

در تداعی معانی سطح یک، ویژگی‌های حسی، شکلی و عملکردی مراسم به‌عنوان رمزگان‌های اجتماعی و هویتی، موردنظر است و سطوح دیگر معنا (سطح ۲ و ۳) از انطباق درزمانی عناصر به‌کاررفته اعم از طبیعی و تجریدی باارزش‌های فرهنگی و اسطوره‌ای مخاطب مورد خوانش و تداعی قرار گرفته‌اند. این معناکاوی در رابطهٔ هم‌نشینی زنجیره‌ای بین اجزا، دلیلی است بر بخشی از فرهنگ ملّی ایران که تداعی‌کنندهٔ شورونشاط اجتماعی، تعاون و همکاری همگانی در محور خانوادگی و اجتماعی است و در محور جانشینی و نمادین این حقیقت را آشکار می‌سازد که این آیین ملّی حرکتی است نمادین، نمایه‌ای و شمایلی برای ایجاد آرامش، کسب برکت و مکنت فردی، خانوادگی، جامعه درنهایت انسجام اجتماعی، صلح و عدالت و توسعهٔ پایدار در سایهٔ هویت ملّی و باستانی ایران. از معانی خوانش شده در سطح ۳ معانی ضمنی، ایجاد انسجام اجتماعی است. اعیاد و جشن‌های ملّی، نماد همبستگی ملّی محسوب می‌شوند. مردم ایران با مشارکت در جشن نوروز به تأسی از آداب‌ورسوم کهن، همدلی و هم‌اندیشی خود را به‌گونه‌ای نمادین، نمایه‌ای و شمایلی به نمایش می‌گذارند و از این طریق حداقل سالی یک‌بار پیوند و پیمان خویش را با نیاکان، خویشان و میراث‌های کهن، روح جمعی با هم‌وطنان خود تجدید می‌کنند و به حفظ میراث‌های خود جان تازه‌ای می‌بخشند (ر.ک: جدول ۱).

در نشانه‌شناسی اجتماعی تلاش بر این است که راه‌های تولید و انتقال معنا در موقعیت‌ها و بسترهای خاص چون خانواده یا موقعیت‌هایی که نشانه‌شناسی در آن‌ها تثبیت‌شده و آداب‌ورسوم و قواعد، آن را احاطه کرده‌اند، تحلیل شوند:(Kress&Van, 1996

www.noormags.ir

266). نشانه‌هایی چون آداب معاشرت به فرهنگ‌های مختلف تعلّق دارند و درواقع سازه‌های فرهنگی، محسوب می‌شوند (ر.ک: Hatmim & Mason, 1990: 115). باید گفت: نماد و نشانه جزو مفاهیم اساسی در موضوع آیین‌هاست. در نشانه‌شناسی متون آیینی منبع معنا قراردادی و در ذهن است «ازنظر پیرس، در نشانه‌های نمادین، منبع معنا در ذهن است» (Violi, 1999: 744).

اکنون به خوانشِ مهم‌ترین عناصر رمزگان برجسته در آیین نوروز در دو محور هم‌نشینی و جانشینی و درک معانی ضمنی می‌پردازیم. از رمزگان اجتماعی- فرهنگی برجستهٔ نوروز، رسم چیدن سفرهٔ هفت‌سین، نظافت و پاکیزگی و دیدوبازدیدهای نوروزی، سیزده‌بدر و حضور حاجی‌فیروز است (جدول ۱).

الف. رمزگان اجتماعی- فرهنگی رسم چیدن سفرهٔ هفت‌سین

یکی از رمزگان اجتماعی- فرهنگی برجسته نوروز «رسم چیدن سفرهٔ هفت‌سین» **است** که می‌توان آن را نشانه‌ای نمادین دانست که مدلول آن تلاش برای کسب برکت و دفع بلا در محور جانشینی است. در گذشته، در روزهای فروردگان در گورستان‌ها و پشت‌بام‌ها برای پذیرایی ارواح، خوراکی می‌گذاشتند. سفرهٔ هفت‌سین می‌گذاشتند (رضی، ۱۳۹۴: ۸). این عمل، نشانه‌ای نمایه‌ای است که مدلول آن خشنودکردن و کسب رضایت آن‌ها و بالاخره با کسب رضایت فروهرها، کسب برکت و دفع بلا بوده است.

هفت‌سین، از دیرباز در ایران، هفت سینی از دانه‌هایی است که به سفره‌ها برکت می‌بخشد. هفت‌سین، شاید بازماندهٔ هفت سینی است که نماد سبزی و خرّمی بوده و با گذشت زمان هفت سینی به هفت میوه، گل یا سبزی و یا چیزهای دیگر که با سین، آغاز می‌شوند، تبدیل شد. هفت‌سین شامل سبزه، سمنو، سیب، سرکه، سنجد، سکه و سیر است که در کنار این‌ها، آینه و شمعدان، تخم‌مرغ رنگ‌شده و ماهی هم اضافه شده است (آموزگار، ۱۳۷۰: ۲۵).

برای نشانه‌شناسی عناصر سفرهٔ هفت‌سین، باید ابتدا به فلسفه وجودی چیدن این سفره در محور درزمانی پرداخت. نماد و نشانه جزء مفاهیم اساسی در موضوع آیین‌هاست. یکی از مفاهیمی که ترنر به آن اشاره می‌کند، نماد آیینی است. او معتقد است که «نمادها معانی پیچیده‌ای را در خود نهفته دارند. نمادها می‌توانند دارای معانی متفاوت و متغیّر باشند؛ بنابراین، باید در تعبیر آن‌ها از روشی پویا و قابل انعطاف و چندگانه استفاده کرد» (فکوهی، ۱۳۹۰: ۶۲۲). مردم دوران باستان با چیدن این سفره، نوعی مراسم آیینی برای هفت امشاسپند اجرا می‌کرده‌اند و آنچه بر روی سفره قرار می‌داده‌اند بر اساس دیدگاه پیرس به نشانهٔ نمادین و قراردادی هرکدام نماد یک امشاسپند بوده است.

برجستگی عدد هفت، در سفرهٔ هفت‌سین، در خوانش جانشینی اجزا در کنار هم قابل توجه است. در اسطوره‌ها اعداد حامل رمزها و نمادهای بسیار هستند. اعداد بیانگر کمّیّت

www.noormags.ir

نیستند، بلکه کیفیت درونی اشیا را نیز دربر می‌گیرند. عدد هفت از ترکیب اعداد سه و چهار حاصل شده است. «عدد چهار نماد و رمز چرخهٔ زندگی و چهار فصل دانسته‌اند. این عدد نماد تمامیت، عقل و عدل است از سویی نماد چهارضلعی و استحکام است» (ر.ک: کوپر، ۱۳۸۶: ۲۷). عدد سه یکی دیگر از اعداد اسطوره‌ای است که «نماد روحانیت، نور و آگاهی‌ست» (ال گورین، ۱۳۸۵: ۱۶۴).

هفت در ارتباط با هفت روز هفته، هفت مرحلهٔ کمال، هفت فلک و... است. هفت، نماد حلقهٔ کامل کمال پویاست. هفت در ارتباط با عدد سه که نماد آسمان است و عدد چهار که نماد زمین است، نمایانگر کل جهان در حال حرکت است. در سراسر جهان، عدد هفت، نماد یک کلیّت پویا و کامل است. هفت نماد غایت جهان و برکت زمان است و تمامیت زمان و مکان را دربر می‌گیرد (شوالیه و گربران، ۱۳۷۹: ۵۶۵-۵۵۷).

آموزگار (۱۳۷۰: ۲۵) هفت‌سین را چنین تفسیر کرده است:

> سبزه نمودار سبزی و زینت؛ سیب میوه‌ای بهشتی و نماد زایش؛ سمنو، نماد رویش و برکت؛ سنجد، محرک عشق و دلدادگی؛ سپند دور کردن چشم بد، برکت؛ آینه و شمع، نماد نور و روشنایی، سیر، داروی تندرستی و از میان برندهٔ دردها، سماق، صبر و پایداری، تخم‌مرغ نماد نطفه و باروری است.

با توجه به مطالب قبل می‌توان در نشانه‌شناسی سفرهٔ هفت‌سین در محور هم‌نشینی به نشانه‌های نمایه‌ای بلاگردانی، برکت، آرامش و سلامتی و نشانه‌های نمادین طلب خیر، پاکی و باروری رسید. هفت‌سین به نشانهٔ نمایه‌ای دالی است که مدلول آن خشنودی فروهرها و کسب برکت و شادی در لایه‌های ضمنی آن به نشانهٔ نمایه‌ای است. شاید بتوان خود سفره را با نشانهٔ شمایلی به زمین تفسیر کرد که حالت دایره‌وار بودن آن و نیز خوراکی‌هایی که در مقیاس کوچک‌تر از زمین تداعی‌کننده جذب خیروبرکت و دفع شر و بلا و در لایهٔ عمیق‌تر معنا مکانی پاک و مقدّس در زمان مقدس جاودانگی دانست.

ب. رمزگان اجتماعی- فرهنگی «رمزگان نظافت و پاکیزگی»

از دیگر رمزگان اجتماعی- فرهنگی برجسته نوروز، «رمزگان نظافت و پاکیزگی» است. در این مورد، آنچه هنوز هم پابرجاست، سنت گردگیری، نظافت و خانه‌تکانی است. گردگیری و نظافت در محور هم‌نشینی با دیگر سازه‌های نوروز مانند پوشیدن لباس نو، آتش افروختن و دیدوبازدید، با نشانهٔ نمایه‌ای توجه به زیبایی و پاکیزگی، با نشانهٔ شمایلی تکرار نو شدن با نو شدن طبیعت، نشانهٔ نمایه‌ای، جلب‌توجه فَروهرها، در محور جانشینی و لایه عمیق‌تر معنا، نشانه‌ای نمایه‌ای برای کسب شادی و برکت، تکریم طبیعت و تکریم خانواده با اعتقاد به حضور درگذشتگان نیک و بزرگان خود است.

برافروختن آتش، به نشانهٔ نمایه‌ای دالی است که مدلول آن در ترکیب هم‌نشینی با عنصر گردگیری و نظافت، نشانهٔ پاکیزگی و کمال است. آتش در متن نوروز از دال‌های برجسته است

www.noormags.ir

کـه در شـناخت معنـا و مفهـوم متـن در یـک زنجیـرهٔ هم‌نشـینی بـا سـایر سـازه‌ها بسـیار کاربـردی اسـت. بن‌مایـهٔ اهمیـت آتـش در آیین‌هـا جایـگاه خاصـی دارد. در دیـن زرتشـتی، «آتـش نمـاد اهورامزدا و کانـون عبادت‌هـای روزانـهٔ آنـان اسـت. بااین‌حـال هنـوز بـه آتـش جنگجـو خطـاب می‌کننـد، زیـرا از مقدس‌تریـن آتش‌هـا یعنـی بهـر درخواسـت می‌شـود کـه نـه بـا دیـوان خشک‌سـالی بلکـه بـا دیـوان مینویـی نبـرد کنـد» (هیلنـز، ۱۳۶۸: ۵۰). در آیین‌هایـی کـه همـراه آتـش اسـت، نـوع چوبـی کـه سـوزانده می‌شـود؛ مهـم اسـت. «بعضـی وقت‌هـا لازم اسـت کـه آتـش نـذری یـا سـایر آتش‌هـای مقـدس بـا تراشـه‌هایی از درخـت خـاص افروختـه شـود» (فریـزر، ۱۳۸۴: ۷۶۷).

آتـش بـه نشـانهٔ نمادیـن، دالـی اسـت کـه در کاربـردی مثبـت نشـانه و نابودکننـدهٔ ناپاکی‌هـای درونـی و بیرونـی اسـت «آتـش نمـاد پاکـی اسـت. گویاتریـن گـواه بـر طهـارت ناپاکی‌هاسـت» (باشـلار، ۱۳۶۸: ۳۲). آتـش نیـروی محـرّک و زندگـی اسـت. از سـوی دیگـر، نـور، آتـش روشـنایی و خورشـید همگـی از مظاهـر اهورامـزدا به‌حسـاب می‌آینـد بـه همیـن سـبب آنهـا را نابودکننـدهٔ پلیدی‌هـا، بیمـاری و زشـتی شـمرده‌اند (ر.ک: صرفـی، ۱۳۸۰: ۳۵). برافروختـن شـمع و روشـن کـردن آتـش نشـانه‌ای نمایـه‌ای اسـت بـر پاکـی و معنویـت، چراکـه آتـش ناپاکی‌هـا را می‌سـوزاند در زمـان ساسـانیان در شـب آغـاز همسـپهمدیم گاه یعنـی روز بیسـت و ششـم اسـفند، آتـش افروختـه می‌شـده اسـت. گویـا ازایـن‌رو بـوده اسـت کـه فُروهرهـا بـا دیـدن دود و آتـش، خانـوادهٔ خـود را بازشناسـند و بـدان سـوی پـرواز کننـد. «آتش‌افـروزی پیـش از نـوروز بـر بام‌هـا کـه در ایـران کهـن مرسـوم بـوده اسـت و امـروزه نیـز در روسـتاها معمـول اسـت؛ گویـا بـرای راهنمایـی فروهرهـا به‌سـوی دودمـان خـود اسـت» (فره‌وشـی، ۱۳۸۸: ۲۸)؛ بنابرایـن، برافروختـن آتـش بـا نشـانه‌های نمایـه‌ای راهگشـایی بـرای حضـور فروهرهـا و تکریـم و احتـرام بـه درگذشـتگان بـا نشـانه‌های نمادیـن و اجتماعـی آگاهـی و معرفـت، آرامـش، آسـودگی، پاکـی اسـت. لازم بـه یـادآوری اسـت کـه نظافـت همـواره بـا آب همـراه بـوده اسـت. آب نشـانه/ بازنمونـی نمادیـن اسـت کـه مدلـول آن، پاکـی و زندگـی و بـاروری اسـت. «آب وسـیلهٔ طهـارت آیینـی اسـت. علامت برکـت اسـت، نمـاد زندگـی معنـوی و ذات خداونـدی اسـت. آب نیـروی حیـات و بارورکننـده اسـت و نیـروی ناخـودآگاه و قـدرت شـکل روح و انگیـزهٔ پنهـان آن اسـت» (ر.ک: شـوالیه و دیگـران، ۱۳۷۹: ۲۷). آییـن طهـارت در تمـام آیین‌هـای ملّـی دیـده می‌شـود. «طهـارت بـا آب، یعنـی پاکـی از ناپاکی‌هـا اسـت از طریـق غسـل یـا وضـو یـا هرگونـه طهـارت آیینـی، فضایـل و نیکی‌هـا از سرچشـمهٔ آب جـذب می‌شـود، آب پـاک می‌کنـد، برمی‌انگیزانـد، بهبـود می‌بخشـد، حاصلخیـز می‌کنـد و نمـاد بـاروری اسـت» (همـان: ۲۳۳-۲۳۰)؛ بنابرایـن، پاشـیدن آب در نـوروز نشـانه‌ای نمادیـن اسـت کـه در لایه‌هـای بعـدی خـود بـا نشـانهٔ شـمایلی شـباهت بـا بـاران در سـطح دوم معنـا بـا نشـانهٔ نمایـه‌ای کسـب برکـت و توسـعهٔ کشـاورزی خوانـش شـده اسـت.

پ. رمزگان اجتماعی- فرهنگی «حاجی‌فیروز»

حاجی‌فیـروز، نوازنـده و خواننـدهٔ دوره‌گـرد و از کهن‌تریـن پیک‌هـای نـوروزی اسـت کـه

www.noormags.ir

هدفش اعلام پایان زمستان و نزدیکی بهار، تبریک سال نو و دریافت پول یا هدیه به‌عنوان شادباش است. «حاجی‌فیروز، از ترکیب دو واژهٔ حاجی از ریشه یونانی hagios به معنای مقدّس که به تمام مقامات مهری اطلاق می‌شده و فیروز تشکیل شده است؛ بنابراین، حاجی‌فیروز، برابر هاجیوس نبرذ به معنای فیروز مقدّس بوده است» (فضایلی، ۱۳۸۸: ۸). مهرداد بهار، پیشینهٔ حاجی‌فیروز را فراتر از تاریخ پنداشته و آن را بازماندهٔ آیین بازگشت ایزد شهیدشونده می‌داند. به اعتقاد وی چهرهٔ سیاه حاجی‌فیروز نماد بازگشت از جهان مردگان است و لباس سرخ او نیز نماد خون سرخ سیاوش و حیات مجدد ایزد شهیدشونده. همچنین شادی او، شادی زایش دوباره آن‌هاست که رویش و برکت با خود می‌آورد (ر.ک: بهار، ۱۳۸۶: الف/۲۹۰-۲۸۹).

یکی دیگر از خاستگاه‌های حاجی‌فیروز را باید در ارتباط با آیین‌های دین میترا جستجو کرد. «ششمین منصب از مناصب آیین میترا، هلیودروموس (پیک خورشید) است تصویر او بر روی دیوار مهرابه‌ای در رم، در حالی نقش بسته که وی جامه‌ای سرخ بر تن، کمربندی زرد بر کمر و گویی آبی‌فام در دست دارد» (ورمازون، ۱۳۴۵: ۱۹۰-۱۸۹). لباس مهری، به‌طور عمده شلوار و بالاپوشی سرخ سرکج و چکمهٔ سرخ بود. به قیاس می‌توان گفت: حاجی‌فیروز، یکی از مقامات مهری است به این دلیل که اصل واژهٔ نبرذ لقب ایزد مهر و یکی از القاب سوشیانت، به معنای پیروز و فاتح است که در میان پیروان یونانی آیین مهر، رایج بوده است و از پارسی باستان است. «فیروز مقدّس، پیک خورشید است که خبر رسیدن بهار و نوروز را می‌دهد و بشارت‌دهنده جلوهٔ کامل مهر بعد از سیاهی زمستان است (فضایلی، ۱۳۸۹: ۲۷).

محدودهٔ زمانی حضور حاجی‌فیروز، در کوی و برزن از روزهای پایانی سال و نزدیک عید نوروز آغاز می‌شود (یوسفی‌زیرابی، ۱۳۸۹: ۲۶؛ شریعت‌زاده، ۱۳۷۱: ۴۵۹؛ احمدی، ۱۳۹۲: ۸۸). هرچند برخی منابع «به‌طور مشخص ده روز قبل از عید نوروز (مهدوی، ۱۳۸۷: ۸۱) یا نخستین روز سال نو دانسته‌اند که تا سیزدهمین روز نوروز ادامه می‌یابد» (شهری، ۱۳۸۶: ۲۸۲/۱). سودابه فضایلی از پژوهشگرانی که حاجی‌فیروز را با نگاهی نمادین بررسی کرده است معتقد است:

> جامهٔ سرخ حاجی‌فیروز، نشانی از خورشید دارد و رنگ سیاه صورتش، نشانهٔ تعالی یا رنگ زمستان و میثاق بهار است. کلاه و تاج رنگین او نیز علامت قدرت کامل، اختیار مطلق، سر و تفکّر است. تاج او نماد شرافت، قدرت و صدارت تلقّی می‌شود. به دلیل خواستگاه خورشیدی‌اش، نشانی از قدرت الوهی اوست. همچنین کمربندی که به دور کمرش بسته، نشانه تسلیم کامل در مقابل ذات حق و نیز نماد مراقبه و تمرکز است. دایرهٔ زنگی یا دفی که می‌نوازد؛ کنایه از آسمان و نمادی از شادی و سبکی محسوب می‌شود. راه رفتن او با کفش یا چکمه، به معمای تملّک زمین، نماد سفر به عالم دیگر و به همهٔ جهات است. (۱۳۸۸: ۶-۷).

www.noormags.ir

بنابرایـن از رمـزگان برجستهٔ دیگـر در متـن آییـن نـوروزی، «حاجی‌فیـروز» اسـت. حاجـی فیـروز در محـور هم‌نشـینی بـا دیگـر سـازه‌های برجسـته، چـون دیدوبازدیدهـای نـوروزی، لبـاس نـو بـر تـن کـردن، چیـدن سـفره هفت‌سـین، نظافـت و گردگیـری، نشـان شـادی و نشـاط و کسـب رضایـت فروهرهـا و بـا نشـانهٔ نمایـه‌ای، جـذب برکـت و بلاگردانـی اسـت کـه در محـور جانشـینی، تداعی‌بخـش زایـش دوبـاره زمیـن و میثـاق بهـار، بـا نشـانهٔ شـمایلی تکریـم طبیعـت و تکریـم خانـواده و در خوانشـی ضمنـی، بـا نشـانهٔ نمایـه‌ای دلیـل و نشـان انسـجام اجتماعـی و هویـت ملّـی اسـت. بـرای برقـراری یـک ارتبـاط اجتماعـی موفـق و پایـدار، افـراد بایـد هویـت و تعلّقـات اجتماعـی مشـترکی داشـته باشـند «شـناخت نشـانه‌های هویـت و به‌تبـع آن شـناخت نشـانه‌های معاشـرت در برقـراری ارتباطـات انسـانی، از بایدهـای اجتماعـی محسـوب می‌شـود؛ درواقـع بررسـی رمـزگان اجتماعـی به‌عنـوان یـک راهنمـا در یافتـن نقـاط مشـترک و درنتیجـه برقـراری یـک ارتبـاط نسـبتاً پایـدار اهمیـت دارد (ر.ک: گیـرو، ۱۳۸۳: ۱۱۹-۱۱۶).

ت. رمزگان اجتماعی-فرهنگی سیزده‌بدر

رسـم اجتماعـی دیگـری کـه در ایـام نـوروز بـوده و هنـوز هـم به‌خوبـی در روز سـیزدهم فروردیـن اجـرا می‌گـردد، سـیزده‌بدر اسـت. بنـا بـر تقویـم بابلـی سـال بـه دوازده روز بـوده اسـت و سـیزده را جـزء اوقـات نحـس، بـه شـمار می‌آورده‌انـد. چـون اخترشناسـان قدیـم، معتقـد بودنـد کـه روز قـرار گرفتـن آفتـاب و مـاه روبـه‌روی هـم نحـس اسـت و بایـد دسـت از کار کشـید، پـس بهتـر اسـت کـه از خانـه بیـرون رونـد تـا نحسـی سـیزده بـه آن‌هـا رو نکنـد. نیـز می‌تـوان احتمـال داد کـه نحسـی روز سـیزده، بـدان روی اسـت کـه در پایـان دوازده روز، آشـفتگی نهایـی پایـان سـال برخـود داشـت. چـون دوازده روز به‌منزلـهٔ دوازده مـاه و خـود به‌منزلـهٔ دوازده‌هـزار سـال بـود کـه نـزد ایرانیـان باسـتان، عمـر جهـان بـه شـمار آمـده اسـت. پـس‌ازآن جـز بـه هم‌ریختگـی و گسـیختگی کیهـان چـه روی خواهـد داد؟ مگـر آن‌کـه بـه تحقـق اسـطورهٔ آفرینـش دیگـر چشـم دوزیـم و بـاور کنیـم کـه هـر نـوروز جلـوه‌گاه آفرینـش تـازه‌ای اسـت (ر.ک: بهـار، ۱۳۶۱: ۷۷۸).

سـیزده‌بدر بـا نشـانه‌ای نمایـه‌ای و شـمایلی دالـی اسـت کـه مدلـول آن در معنـای ضمنـی سـطح دو، دوری از آشـفتگی پایـان سـال، نحـس دانسـتن عـدد سـیزده در میـان ایرانیـان و شـادی و نشـاط در دل طبیعـت اسـت کـه در معنـای ضمنـی سـطح ۳، بـا نشـانهٔ نمایـه‌ای ذهـن را بـه سمت‌وسـوی آشـتی بـا طبیعـت، آرامشـی بـه دور از اسـترس و اضطـراب نحسـی ایـن روز، صلـح و دوسـتی بـا خویشـاوندان و درنهایـت انسـجام اجتماعـی در سـالی پـر از خیـر و برکـت رهنمـون می‌سـازد.

نتیجه‌گیری

- معنـا برایـندی از هم‌کنـش پارامترهایـی چـون سـازه‌هایی درونـی متـن و بخشـی ناشـی از بیناکنـش تولیدکننـده و خوانش‌گـر متـن و بخشـی متأثـر از بافـت برونـی متـن و شـرایط اجتماعـی، فرهنگـی متـن در محـور درزمانـی اسـت کـه نمی‌تـوان هیچ‌کدامشـان را از هـم تفکیـک کـرد. معنـا

www.noormags.ir

فرایند پیوندها و رابطه‌هاست، پیوندهایی که به بیان متعارف در زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی در دو محور هم‌نشینی و جانشینی میان سازه‌های مختلف برقرار می‌شود. بازخوانی روابط هم‌نشینی در سازه‌های درونی متن آیین ملّی نوروز، جانشینی و رمزگان متون در محورافقی و در کنار سایر متون آیینی، بر پایهٔ رابطهٔ بینامتنی درون فرهنگ صورت می‌گیرد. روابط جانشینی در محور طول صورت می‌پذیرد که مناسبات درزمانی را تشکیل می‌دهند. در محور هم‌نشینی مناسبات هم‌زمانی شکل می‌دهند و به معنابخشی با رمزگان اجتماعی و فرهنگی می‌پردازند. با بررسی رمزگان‌های نمادین اجتماعی و فرهنگی برجستهٔ نوروز در محور درزمانی، مانند رسم چیدن سفرهٔ هفت‌سین، نظافت و پاکیزگی، دیدوبازدیدهای نوروزی و حضور حاجی‌فیروز، معانی تکریم خانواده و تکریم طبیعت، شورونشاط اجتماعی، همکاری و تعاون خوانش شده است.

- در تداعی معانی سطح ۱، طبق نظریهٔ پیرس، ویژگی‌های حسی، شکلی و عملکردی مراسم به‌عنوان رمزگان‌های اجتماعی و هویتی، مورد نظر است و سطوح دیگر معنا (سطح ۲ و ۳) از انطباق درزمانی عناصر به‌کاررفته اعم از طبیعی و تجریدی با ارزش‌های فرهنگی و اسطوره‌ای مخاطب مورد خوانش و تداعی قرار گرفته‌اند. در خوانش نشانه‌شناسی عناصر برجسته در رمزگان اجتماعی نوروز از خوانش نمادین این نشانه‌ها به نشانه‌های نمایه‌ای و شمایلی و گاهی هر سه نشانه رسیده‌ایم که از معانی خوانش شده در سطح ۳ معانی ضمنی، با تأکید بر این نکته که مردم ایران با مشارکت در جشن نوروز به تأسی از آداب‌ورسوم کهن، همدلی و هم‌اندیشی خود را در نشانه‌های نمادین به نمایش می‌گذارند و از این طریق حداقل سالی یک‌بار پیوند و پیمان خویش را با نیاکان، خویشان و میراث‌های کهن و روح جمعی با هم‌وطنان خود را تجدید می‌کنند و به حفظ میراث‌های خود جان تازه‌ای می‌بخشند. این نشانه‌های اجتماعی و قراردادی در سطوح و لایه‌های ضمنی خود با نشانه/ بازنمون‌های شمایلی و نمایه‌ای معانی ایمان، آرامش و تعادل، برکت، شادی و نظم در محور فردی، عدالت و دادگری، صلح و دوستی در محور اجتماعی، هویت ملّی درنهایت معنای کاربردی توسعهٔ پایدار از طریق گردشگری فرهنگی خوانش گردید (جدول۱).

- در خوانش عناصر برجستهٔ رمزگان اجتماعی- فرهنگی نوروز در محور هم‌نشینی و جانشینی، به معانی تکریم خانواده و تکریم طبیعت، شورونشاط اجتماعی و انسجام و عدالت در سایهٔ هویت ملّی اشاره شده است و در مورد خوانش مفهوم توسعهٔ پایدار از متن نوروزی باید گفت: در فرهنگ نوروز، رابطهٔ انسان با طبیعت و محیط‌زیست به اشکال گوناگون متجلّی می‌شود. نوروز با روز نخست بهار و حیات دوبارهٔ طبیعت آغاز می‌شود و با روز سیزده‌بدر و روز آشتی با طبیعت پایان می‌یابد. یکی از رسوم نوروز نیز سبزه کاشتن است که به‌صورت نمادین نشانهٔ تکریم طبیعت و توجّه به رویش و سبز شدن است. توجه به طبیعت که موجب آشنایی و هم‌زیستی با طبیعت است، جایگاه محیط زیست و حفظ آن در فرهنگ ایرانی را به تصویر می‌کشد. از ویژگی‌های توسعهٔ پایدار، توجّه به

www.noormags.ir

طبیعت و حفظ محیط زیست است. «توجه به مسائل زیست‌محیطی موجب شکل‌گیری توافق‌ها و سازمان‌های مختلف فراملی شده است. بنابراین، مسائل زیست‌محیطی، نمادی از مسائل مشترک جهانی است که هم‌گرایی بیشتر در عصر جهانی را کمک‌کننده است» (شهرام‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۱۷).

– در خوانش معنای کاربردی از معانی نهفته در سازه‌های درون و برون‌متنی این آیین برجستهٔ ملّی، می‌توان به معنای کاربردی توسعهٔ پایدار از طریق توسعهٔ گردشگری فرهنگی اشاره کرد. از پیامدهای اجتماعی فرهنگی برگزاری آیین‌ها و مراسم ملّی می‌توان به حفظ و ثبت میراث فرهنگی و هویت ملّی، گسترش خدمات رفاهی و رشد و توسعهٔ اقتصادی، حفظ تحکیم مناسبات اجتماعی، کمک به جریان جامعه‌پذیری، افزایش سطح آگاهی‌های عمومی نسبت به منشأ فرهنگی رفتارها و کنش‌ها، کاهش تنش‌ها و اختلافات بین فردی و اجتماعی، برانگیختن حس مشارکت اجتماعی، گسترش مبادلات بین فرهنگی، توسعهٔ زیرساخت‌ها و توسعهٔ گردشگری و... اشاره کرد. در همین راستا پیشنهاد می‌شود آیین‌ها به همان شیوهٔ سنّتی و باستانی اجرا گردند، البته در کنار این جشن‌ها و آیین‌های باستانی و اسطوره‌ای از سایر جشن‌ها و اعیاد بومی و مذهبی نیز استفاده گردد و سعی شود دستگاه‌های اداری متولی و برگزارکنندهٔ این مراسم باشند و با تمهیدات برنامه‌ریزی‌شده و دقیق، در اجرای منظّم این آیین‌ها که هویت ملّی و فرهنگی مملکت ماست، همکاری و همراهی نمایند.

جدول ۱. خوانش نشانه/ بازنمون‌های متن آیینی نوروز از منظر مطالعات فرهنگی و نشانه‌شناسی

اجزای نشانه	بازنمون/ نشانه	تفسیر نشانه خوانش سطح ۱ (معانی صریح)	موضوع نشانه خوانش سطح ۲ (معانی ضمنی)	خوانش سطح ۳ (معانی ضمنی)
نشانه‌شناسی متن آیینی نوروز در یک رابطهٔ درزمانی	۱. جشن نوروزی	مراسم آغاز بهار، جشن تجدید سال، نوروز خاصه و عامّه	تکرار نمادین با نشانهٔ نمادین و شمایلی امر آفرینش و باززایی جهان، نامیرایی و جاودانگی، اعتقاد به حضور فروهرها، با نشانهٔ شمایلی تکریم طبیعت، با نشانهٔ نمایه‌ای تکریم خانواده	با نشانهٔ نمایه‌ای دلالت بر آرامش و تعادل، برکت، شادی و نظم در محور فردی (پاکیزگی و نظافت)، عدالت و دادگری، صلح و دوستی در محور اجتماعی=توسعهٔ پایدار
	۲- نظافت و خانه‌تکانی	پاکیزگی در بهار طبیعت، همکاری اهل خانواده	با نشانهٔ نمایه‌ای حضور فروهرها و تکرار نمادین امر نو شدگی، با نشانهٔ شمایلی تجدید خلقت	با نشانهٔ نمایه‌ای برکت و بلاگردانی (به‌دلیل حضور فروهرها و زدودن ناپاکی‌ها)، آرامش، شادی و امید به زندگی

www.noormags.ir

اجزای نشانه	بازنمون/ نشانه	تفسیر نشانه خوانش سطح ۱ (معانی صریح)	موضوع نشانه خوانش سطح ۲ (معانی ضمنی)	خوانش سطح ۳ (معانی ضمنی)
	۳- پوشیدن لباس نو	زیبایی و نظافت	با نشانهٔ شمایلی تکرار نو شدگی با نو شدن طبیعت و نشانهٔ نمایه‌ای زندگی تازه، زیبایی، شادی و برکت (علت پوشیدن لباس نو به دلیل شباهت با طبیعت نوشده و کسب برکت و شادی)	با نشانهٔ نمایه‌ای هویت فرهنگی و اجتماعی
	۴- آب پاشیدن به زمین در نوروز بزرگ	روز ششم خرداد، رسم اجتماعی فرهنگی	با نشانهٔ نمادین امشاسپند خرداد که آب در گیتی نماد اوست. نشانه شمایلی بارش باران بر زمین	با نشانهٔ نمایه‌ای آبادانی و برکت، شادی، انسجام اجتماعی
	۵- حضور حاجی‌فیروز، دف‌زنی و سماع	خبردار کردن مردم برای سال نو، دعوت همگانی، تبریک و دریافت هدیه	با نشانهٔ نمادین بازگشت از جهان درگذشتگان، نشانهٔ نمایه‌ای شادی زایش دوباره، نشانهٔ نمادین برجستگی رنگ سرخ و سیاه، با نشانه شمایلی میثاق با بهار، نشانهٔ زمستان در رنگ سیاه با نشانهٔ شمایلی تداعی دنیای سرد مردگان و رنگ سرخ به نشانهٔ نمادین گرما و خورشید	با نشانهٔ نمایه‌ای برکت، شادی، آرامش، با نشانهٔ نمایه‌ای شادی و برکت با آمدن بهار
	۶- چیدن سفرهٔ هفت‌سین	سفره نوروزی برای پذیرایی از بهار و خویشان	با نشانهٔ نمایه‌ای دالی است برای پذیرایی از فروشی‌ها و کسب رضایت و خشنودکردن ارواح، با نشانهٔ	با نشانهٔ نمایه‌ای بلاگردانی، برکت، آرامش و سلامتی، با نشانه‌های نمادین در محور

www.noormags.ir

اجزای نشانه	بازنمون/ نشانه	تفسیر نشانه خوانش سطح ۱ (معانی صریح)	موضوع نشانه خوانش سطح ۲ (معانی ضمنی)	خوانش سطح ۳ (معانی ضمنی)
			نمایه‌ای ایجاد مکان مقدّس در زمانی مقدّس برای فروهرها (سین‌ها در مجاورت هم دور کنندهٔ ناپاکی‌ها و جذب پاکی‌ها، مکانی مقدّس درزمانی مقدّس که دایره‌وار جاودانه است.	هم‌نشینی با هم طلب خیر، پاکی و باروری
	۷-افروختن آتش و روشن‌کردن مشعل	انجام امری اجتماعی و فرهنگی	با نشانه‌های نمایه‌ای راهگشایی برای حضور فروهرها و تکریم و احترام به درگذشتگان	با نشانه‌های نمادین و اجتماعی آگاهی و معرفت، آرامش، آسودگی، پاکی
	۸- دیدوبازدیدهای نوروزی	انجام رسمی فرهنگی و اجتماعی	با نشانهٔ نمایه‌ای، شادی فروهرها، تکریم و احترام به بزرگ‌ترها، انس و الفت	با نشانهٔ نمایه‌ای تکریم خانواده، انسجام، شورونشاط اجتماعی، تبرک‌جویی از حضور بزرگ‌تر ها و آرامش و صلح
	۹-رسم سیزده‌بدر	رسم نوروزی، خروج از خانه و حضور در طبیعت و انداختن سبزه روی زمین	با نشانهٔ نمایه‌ای و شمایلی دوری از آشفتگی پایان سال، شادی و نشاط در دل طبیعت با نشانهٔ نمایه‌ای انداختن سبزه تحریک زمین به سبزبودن و سبزشدن	با نشانهٔ نمایه‌ای آرامش، صلح و دوستی، انسجام اجتماعی، توسعه کشاورزی

www.noormags.ir

کتابنامه

احمدی، مرتضی. (۱۳۹۲). *پرسه در احوالات ترون و ترونیا*، چاپ اوّل. تهران: هیلا.

استوری، جان. (۱۳۹۸). *مطالعات فرهنگی دربارهٔ فرهنگ عامه*. ترجمهٔ حسین پاینده. چاپ ششم. تهران: آگه.

اسماعیل‌پور، ابوالقاسم. (۱۳۷۲). «نوروز، جلوه‌گاه اسطورهٔ آفرینش». *چاووش*. س۱. ش ۱۲ و ۱۱. صص: ۱۵-۴.

اسماعیل‌پور، ابوالقاسم. (۱۳۷۹). «نسبت اسطوره با ادبیات و فلسفه». *کتاب ماه ادبیات و فلسفه*. ش ۳۵. صص: ۷۳-۶۳.

اکو، امبرتو. (۱۳۹۹). *نشانه‌شناسی*. ترجمهٔ پیروز ایزدی. چاپ چهارم. تهران: ثالث.

الیاده، میرچا. (۱۳۶۵). *«مقدّمه‌ای بر فلسفه‌ای از تاریخ (اسطوره بازگشت جاودانه)*. ترجمهٔ بهمن سرکاراتی. تبریز: بی‌جا.

ال‌گورین، ویلفرد و دیگران. (۱۳۸۵). *مبانی نقد ادبی*. ترجمهٔ فرزانهٔ طاهری. چاپ چهارم. تهران: نیلوفر.

آموزگار، ژاله. (۱۳۷۰). «نوروز». *ماهنامهٔ کلک*. ش ۲۴ و ۲۳. صص: ۳۳-۲۳.

امین، سیدحسن. (۱۳۸۳). «نوروز، جشن طبیعت و هویت ملّی». *حافظ*. ش ۱. صص: ۹-۵.

باشلار، گاستون. (۱۳۶۴). *روانکاوی آتش*. ترجمهٔ جلال ستاری. تهران: توس.

بهار، مهرداد. (۱۳۶۹). «نوروز، زمان مقدّس». *ماهنامهٔ چیستا*. س۲. ش ۷ و ۸. صص: ۷۷۹-۷۷۸.

بهار، مهرداد. (۱۳۷۶). *از اسطوره تا تاریخ*. تهران: چشمه.

بیرونی، ابوریحان. (۱۳۵۷). *التفهیم لاوائل صناعه التنجیم* به کوشش جلال‌الدین همایی، تهران: انجمن آثار ملّی

پاینده، حسین . (۱۳۹۸). *نظریه و نقد ادبی درسنامه‌ای میان‌رشته‌ای*. ج۲. چاپ دوم. تهران: سمت.

پورداوود، ابراهیم. (۱۳۷۷). *یشت‌ها*، ج ۱و۲، تهران: اساطیر.

تودور، اندرو.(۱۳۹۲). *نظریه و روش در مطالعات فرهنگی*. ترجمهٔ فاطمه براتلو. چاپ اوّل. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

تقی‌زاده، حسن. (۱۳۴۹). *مقالات*. به کوشش ایرج افشار. تهران: چاپخانهٔ بیست‌وپنجم شهریور.

رجبی، پرویز. (۱۳۶۱). «نوروز، جشن‌های فروردین و فروردینگان»، *چیستا*. ش ۸. صص: ۹۹۷-۹۹۶.

رضوی‌فر، آملی و غفاری، حسین. (۱۳۹۰). «نشانه‌شناسی پیرس در پرتو فلسفه، معرفت‌شناسی و نگرش وی به پراگماتیسم». *فلسفه*. س۳۹. ش ۲. صص: ۳۶-۵.

www.noormags.ir

ساسانی، فرهاد. (۱۳۸۹). *معناکاوی؛ به‌سوی نشانه‌شناسی اجتماعی*. چاپ اوّل. تهران: علم.

سجودی، فرزان. (۱۳۹۳). نشانه‌*شناسی کاربردی*. چاپ سوم. تهران: علم.

سوسور، فردینان. (۱۳۸۲). دورهٔ *زبان‌شناسی عمومی*. ترجمهٔ کوروش صفوی. چاپ دوم. تهران: هرمس.

شریعت‌زاده، علی‌اصغر. (۱۳۷۱). *فرهنگ مردم شاهرود*. شاهرود: مؤلف.

شهری، جعفر. (۱۳۶۸). *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، زندگی و کسب‌وکار*. تهران: موسسهٔ خدمات فرهنگی رسا.

شهرام‌نیا، امیرمسعود. (۱۳۸۶). *جهانی‌شدن و دموکراسی در ایران*. تهران: نگاه معاصر.

شوالیه، ژان و گربران، آلن. (۱۳۷۹). *فرهنگ نمادها*. ترجمه و تحقیق: سودابه فضایلی. چاپ اوّل. تهران: جیحون.

صرفی، محمدرضا. (۱۳۸۰). «آزمون آتش». *نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر*. دورهٔ جدید. ش ۸ و ۹ (پیاپی ۷)، صص: ۵۷-۳۲.

صفوی، کوروش. (۱۳۹۳). *آشنایی با نشانه‌شناسی ادبیات*. تهران: علمی.

ضمیران، محمد. (۱۳۸۳). *درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر*. چاپ سوم. تهران: قصه.

طاهری، صدرالدین. (۱۳۹۶). «تحلیل نشانه‌شناختی شیوه‌های رمزگذاری در آثار رنه‌مگریت»، *مطالعات فرهنگ –ارتباطات*، د۱۹. ش ۴۱. صص: ۱۹۴-۱۷۷.

علوی مقدّم، مهیار. (۱۴۰۰). «کارکرد معیارهای نشانه‌ای، ساختاری، ارزشی و نقشی در تحلیل فرایند زایشی معنا و دلالت‌پردازی در نظام نشانه‌ای». *مطالعات زبانی و بلاغی*. س۱۲. ش ۲۴. صص ۶۶-۳۷.

فره‌وشی، بهرام. (۱۳۸۸). *جهان فروری*. تهران: فروهر.

فریزر، جیمز جورج. (۱۳۸۷). *شاخهٔ زرّین*. ترجمهٔ کاظم فیروزمند. چاپ پنجم. تهران: آگاه.

فکوهی، ن. (۱۳۹۰). *تاریخ، اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*. تهران: نی.

قبادی، علیرضا. (۱۳۹۲). «فولکلور ابزاری برای مطالعات فرهنگی (نمونهٔ موردی ضرب‌المثل‌های همدانی)، نشریهٔ مطالعات فرهنگی و ارتباطات. د۹. ش ۳۰. صص: ۱۷۶-۱۵۳.

کوپر، جی‌سی. (۱۹۹۱/۱۳۸۶). *فرهنگ مصوّر نمادهای سنّتی*. ترجمهٔ ملیحهٔ کرباسیان. تهران: نشر نو.

گیرو، پی‌یر. (۱۳۸۳). *نشانه‌شناسی*. ترجمهٔ محمد نبوی. چاپ دوم. تهران: آگاه.

ماجدی، حمیده و زرآبادی، زهراالسادات. (۱۳۸۹). «جستاری در نشانه‌شناسی شهری». *آرمانشهر*. ش۴.

www.noormags.ir

صص۴۹-۵۶.

صرفی، محمدرضا. (۱۳۸۰). «آزمون آتش». *نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر*. دورهٔ جدید. ش ۸ و ۹ (پیاپی ۷). صص: ۵۷-۳۲.

رضی، هاشم. (۱۳۹۴). *معاد و آخرت‌شناسی در ادیان ایران قدیم*. تهران: بهجت.

مدرسی، سیدجواد. (۱۳۶۶). «نوروز در تاریخ اسلام»، علوم و قرآن و حدیث. *نور علم*. ش ۲۰. صص:۱۱۵-۱۰۳.

مهدوی، بتسابه (فرشته). (۱۳۸۸). *سفره‌های نذری و سنّت‌های کهن ایران‌زمین*. تهران: مشق شب.

نجومیان، امیرعلی. (۱۳۸۹). «مقدمه». *نشانه‌شناسی فرهنگ(ی)*. گردآوری: امیرعلی نجومیان. تهران: سخن.

ولایتی، الهام. (۱۳۹۵). «بررسی جشن‌های تاریخی ایران با تکیه بر نوروز، مهرگان و سده». *تاریخنامهٔ خوارزمی*. س۵. ش ۱۵. صص: ۱۶۱-۱۴۸.

یوسفی زیرابی، فریده. (۱۳۸۹). *فرهنگ و آداب‌ورسوم سوادکوه*. ساری: شلفین.

یوهانس، یورگن دنیس و لارنس، سوندارایک. (۱۳۸۸). *نشانه‌شناسی* چیست؟ ترجمهٔ علی میرعمادی. تهران: ورجاوند.

Combe, Ian & David Crowther. (2005). The Semiology of an Advertising Compaigns Brand Repositioning. London Metropolitan University: 2 Jon, http://www.londonmet.ac.uk/Domo-shado/library/r67150-3.p.

Dansesi, Marcel. (2007). The Quest for Meaning: A Guide to). *Semiotic Theory and Practics*, Toronto, University of Toronto Press.

Hatim, B&Mason, I. (1990). *Discourse and Translator*, London & New York: Longman.

Kress, G & Van Leesuwen, T. (1996). *Reading Images: The Grammer of Visual dsign,* London & NewYork: Routledge.

Pierce, C. S. (1931). *Collected papers*, Harvard University Press, Combridge.

Saussure, Ferdinand de. (1916/1983). *Course in General Linguistics*, (trans. Roy Harris), London: Duckworth.

Violi, P. (1999). *Semiotics and Cognition* In, R. A. Wilson & F.C.Keil (Eds), The M. I. T Encyclopedia of cognitive Sciences, pp: 744-795, Combridge M A, M. I. T press.

www.noormags.ir